



هفته نامه فرهنگی - اعتقادی - اخلاقی
ستاد عمره و عتبات دانشگاهیان
شماره دوم - ۱۳۹۹/۱۲/۱۱

در این شماره می خوانید:

- ۲ یک دقیقه با قرآن
- ۳ عطر ملکوت
- ۵ پرسش
- ۷ نکته های ناب
- ۸ کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

یک دقیقه با قرآن

از کوزه همان برون تراود که در اوست

« قُلْ كُلٌّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ » سوره اسرا، آیه ۸۴

تمام میوه ها پوست دارند و پوسته است که مغز و لب میوه را حفظ میکند. احکام شریعت نیز در حکم پوسته اند که باطن دین را حفظ میکنند. اینها که میگویند با ظواهر چه کار داری، دلت را صاف کن، سخت در اشتباهند. پوست است که مغز را محافظت میکند بدون شریعت و آداب ظاهری دین، باطن و حقیقتی از دین نمی ماند.^۱

۱. حضرت آیت الله جوادی آملی، درس تفسیر سوره یونس،

عطر ملکوت

خطبه طلاق (برگرفته از کلام ۷۷ نهج البلاغه)

مرد گفت «سه بار طلاق دادم. نباید باز گردی» گریه کرده بود و جوری در خود فرو رفته بود که فکر می‌کردی همین حالا می‌شکنند. زانو زده بود روی خاک بیابان و انتهای ریشش را گرفته بود توی دست. دور و بر کسی نبود. کسی که بشود به او گفت «طلاق دادم» فقط خودش بود و خارها و خاک‌ها. فریاد زد «دور شو» و کسی آن روبه رو نبود که قرار باشد دور شود. فقط شب بود و او. گفت: «طلاق دادم دنیا!» و در صدایش لرزه‌ای بود، لرزه‌ای که از هراسی جانکاه می‌آمد.

- «دنیا! دنیا!»

«عشوه برای من؟»

«شوق در آغوش کشیدن من؟»

«هنوز نیامده آن روز و نمی‌آید»

فریاد زد «برو پی یکی دیگر. من محتاجت نیستم»

و دشنامش داد «پست حقیر»

بعد برخاست. با چشم هایی هنوز خیس. با تنی
که هنوز می لرزید. پایش رفت روی خار تبه‌ای. سر پایین
نیاورد که رد باریک خون را ببیند. چشم دوخته به دورها،
به جایی که بیابان به افق می‌رسید

گفت «آه»

«آه از ره توشه کم»

«آه از راه دراز»

«آه از طول سفر»

نفس عمیقی کشید. مهی از غم انگار از ریه‌هایش

بیرون ریخت.

گفت: «آه از بزرگی پایان راه» و همینطور خیره به

دورترها، مثل شب راز آلود کویر ساکت شد.^۱

کلام ۷۷ نهج البلاغه:

يَا دُنْيَا يَا دُنْيَا اِلَيْكَ عَنِّي اَبِي تَعَرَّضْتِ اُمِّ اِلَيَّ تَشَوَّقْتِ
لَا حَانَ حَيْنِكَ هَيْهَاتَ غُرِّي غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ قَدْ
طَلَّقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَ خَطْرُكَ يَسِيرٌ وَ
اَمْلُكَ حَقِيرٌ اَه مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ وَ طُولِ الطَّرِيْقِ وَ بُعْدِ السَّفَرِ وَ
عَظِيمِ الْمَوْرِدِ.

۱. فاطمه شهیدی

پرسش

استاد اخلاق تا چه اندازه در سرنوشت ما تاثیر دارد؟

استاد سید محمد مهدی میرباقری:

«وقتی سال نو می شود و بهار می شود، يك سال جدید
آمده است و يك سال هم رفته است.

در روایات آمده: هر شب و روزی که می آید، ندا
می دهد و می گوید: من دیگر تکرارشدنی نیستم. بهره
خودت را از من ببر. فردا شب، فردا شب است. نگو من
فردا شب، نماز شب می خوانم! من دیگر نیستم! من روز
قیامت که شهادت می دهم، صفحه وجود من از نور نافله
شب تو خالی است.

سال وقتی که رفت دیگر بر نمی گردد. امسال هم که
آمد دیگر برگشتنی نیست.

بنابراین همان طور که دستور داده‌اند که هر شبانه روز، خودتان را به حساب و کتاب بکشید، باید يك مراقبه‌ای هم نسبت به سال گذشته داشته باشید. این بوته‌ای که من در خانه‌ام داشتم، خشک شد، دوباره الآن گل داده است. من در این يك سال چه کرده‌ام؟ حساب و کتابی از خودش بکشد و نسبت به امسالش با خدای متعال عهدها و قرارهایی ببندد و از نفس خودش تعهداتی بگیرد. امسال باید در وادی حق يك قدم جلو برویم؛ عالم‌تر و متقی‌تر و خداشناس‌تر و خدوم‌تر شویم و عیب‌های ما کم شود. فرمود: کسی که دو روزش مساوی است ضرر کرده است. حالا کسی که دو سالش مساوی است، چطور؟ فرمود: کسی که امروزش از دیروزش بدتر است، ملعون است و از رحمت خدا دور است. کسی که امسالش از پارسالش بدتر شود، چه؟

يك محاسبه‌ای از خودمان بکنیم ببینیم پارسالمان بهتر از سال قبل بوده و عیب‌های ما کجا بوده است؟ اگر انسان، اهل مراقبه و محاسبه نباشد، همه عالم هم معلم شوند، هیچ چیز دست او را نمی‌گیرد. معلم مثل طیب است، نسخه را می‌دهد، باید خود شما دارو را مصرف کنی و خودت مراقب احوال خودت باشی.^۱

۱. سخنرانی در تاریخ ۱۳۹۳/۱/۲

نکته های ناب

مقام معظم رهبری

ذکری بدهید تا ما بشویم يك آدم نورانی و خوب!

بعضیها به افرادی که اهل معنایند، مراجعه می‌کنند و می‌گویند ذکری بدهید تا ما بشویم يك آدم نورانی و خوب! خیال می‌کنند مثل حبه‌ای است که بخورند و فوری تغییر حالی در آن‌ها به وجود بیاید؛ نه. اگر انسان بناست نورانی بشود و دلش با عوالم غیب آشنا بشود، اگر انسان می‌خواهد صدای فرشتگان را بشنود، اگر انسان می‌خواهد با ساحت جلال الهی ورود پیدا کند، اگر انسان می‌خواهد شامه‌ی معنوی اش به عطر توحید معطر بشود، باید کار کند؛ باید راه برود. قله در پیش است و در بین راه هم کسانی از راه می‌مانند؛ کسانی پشیمان می‌شوند؛ کسانی بی‌حوصله می‌شوند؛ کسانی برمی‌گردند؛ کسانی به دیگران می‌گویند فایده‌ای ندارد، کجا می‌روید؛ و کسانی هم اصل قله را انکار می‌کنند! در راه معنویات، این مسائل هست؛ در راه مادیات هم همین مسائل هست.^۱

۱. (۱۸ / ۰۸ / ۱۳۸۵) بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار اساتید و دانشجویان دانشگاه‌های استان سمنان



نیمه رجب سال روز رحلت عقيله بنی هاشم، امّ المصائب،

حضرت زینب علیها السلام تسلیت باد.

کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

سر نی در نینوا می ماند اگر زینب نبود
کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود
چهره سرخ حقیقت بعد از آن توفان رنگ
پشت ابری از ریا می ماند اگر زینب نبود
چشمه فریاد مظلومیت لب تشنگان
در کویر تفته جا می ماند اگر زینب نبود
زخمه زخمی ترین فریاد در چنگ سکوت
از طراز نغمه وا می ماند اگر زینب نبود
در طلوع داغ اصغراستخوان اشک سرخ
در گلوی چشمها می ماند اگر زینب نبود
ذوالجناح دادخواهی بی سوارو بی لگام
در بیابانها رها می ماند اگر زینب نبود
در عبور بستر تاریخ، سیل انقلاب
پشت کوه فتنه جا می ماند اگر زینب نبود^۱

۱. شاعر: قادر طهماسبی